

Management & Development Process

چکیده

رویکرد همه‌گیر به سرمایه اجتماعی، افزون بر دستاوردهایی که برای علوم اجتماعی دربرداشته، سردرگمی‌ها و گاه اشتباهاتی را هم در پی داشته است. برخی از این سردرگمی‌ها مربوط به مقایسه میزان سرمایه اجتماعی در سطح بین‌المللی است. بسیاری از پژوهشگران، شاخص‌های سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف را متفاوت دانسته‌اند؛ همین امر، مقایسه بین جوامع را در این زمینه دشوار ساخته است. از سوی دیگر و در سطحی عمیق‌تر، تفاوت‌های مهمی در تعاریف ارائه شده برای سرمایه اجتماعی از سوی نظریه‌پردازان مختلف، با دیدگاه‌های گوناگون، وجود دارد. به این ترتیب، ضرورت بررسی این دیدگاه‌ها و شاخص‌ها، الزامی است. به نظر پژوهشگران دو دیدگاه کلی را در این زمینه می‌توان از هم تمیز داد: ۱. سرمایه اجتماعی به‌عنوان ابزار پیوند اجتماعی؛ ۲. سرمایه اجتماعی به‌عنوان ابزار تمایز اجتماعی. بیشتر تعاریف و شاخص‌های ارائه شده برای سرمایه اجتماعی را می‌توان در یکی از این دو دیدگاه جای داد. امروزه دیدگاه اول، در میان پژوهشگران از توجه و پذیرش بیشتری برخوردار است. در این دیدگاه، دو نوع سرمایه اجتماعی از هم تفکیک شده است: پیونددهنده و محدودکننده. استفاده از شاخص‌های مناسب در این تفکیک‌های نظری دارای اهمیت زیادی است. به همین دلیل در این مقاله برخی از برجسته‌ترین تعاریف و شاخص‌های ارائه شده برای سنجش سرمایه اجتماعی در دیدگاه‌های مختلف به بوته نقد و بررسی انتقادی گذاشته شده است.

کلیدواژه‌ها: سنجش سرمایه اجتماعی، پیوند اجتماعی، تمایز اجتماعی، سرمایه اجتماعی پیوند دهنده، سرمایه اجتماعی محدودکننده

بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی

محسن نوغانی
احمدرضا اصغرپور ماسوله

بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی

دکتر محسن نوغانی^۱

احمدرضا اصغرپور ماسوله^۲

مقدمه

کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی به‌طور روزافزونی در حال گسترش است. امروزه، مفهوم سرمایه اجتماعی، در حوزه علوم اجتماعی بسیار مورد توجه قرار گرفته است، و در قلمرو سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و برخی اوقات در قلمرو رسانه‌های جمعی مطرح می‌شود. ایده مرکزی سرمایه اجتماعی بر این اساس است که انسان‌ها از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌ها به هم متصل می‌شوند و تمایل دارند که در ارزش‌های مشترک با دیگر اعضای این شبکه‌ها شریک شوند. از آنجا که این شبکه‌ها تشکیل‌دهنده یک منبع هستند می‌توان آن‌ها را سازنده نوعی سرمایه دانست (فیلد، ۲۰۰۳). این افراد می‌توانند از ذخیره سرمایه خود در زمینه‌های مختلف بهره‌برداری کنند. به این ترتیب دو نکته در زمینه سرمایه اجتماعی اهمیت دارد، اول اینکه یک فرد، افراد زیادی را بشناسد و دوم اینکه با آن افراد رابطه دو سویه‌ای داشته باشد که محتوای آن تعهد دو جانبه باشد.

شبکه‌های ارتباطی، بخشی از مجموعه گسترده‌تر روابط و هنجارها است. این شبکه‌ها به افراد در رسیدن به اهداف مورد نظر خود یاری می‌رساند و نیز موجب

۱. استادیار جامعه‌شناسی،
دانشگاه فردوسی مشهد

E.mail: mohsennooghani@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی،
دانشگاه فردوسی مشهد

E.mail: ahmadreza.asgharpour@gmail.com

انسجام جامعه می‌شود. آنتونی گیدنز -جامعه‌شناس برجسته- نظریه ساختاربندی خود را براساس این قضیه قرار داده است که: "ساختارها به خاطر خاصیت ذاتی آن‌ها در برقراری ارتباط بین ساختار و عامل (ساختار و قدرت)، همواره هم توانایی بخش و هم محدودکننده هستند" (گیدنز، ۱۹۸۴، ۱۶۹). این ویژگی دوگانه شبکه‌های اجتماعی موجب می‌شود که آن‌ها هم توانمند ساز باشند و هم محدودکننده.

عضویت در شبکه‌های ارتباطی و مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک، هسته مرکزی مفهوم سرمایه اجتماعی است. سخن گفتن از پدیده‌های اجتماعی به‌عنوان "سرمایه" به این معنی است که آن‌ها می‌توانند نقش یک منبع و حتی منبعی از قدرت و نفوذ را ایفا کنند که ریشه در محیط اجتماعی معین دارد. بدین‌گونه که ارتباطات، الزام‌هایی را برای دیگر افراد به‌وجود می‌آورد و افراد دیگر نیز الزام‌هایی را بر آن‌ها تحمیل می‌کنند (فیلد، ۲۰۰۳).

مفهوم سرمایه اجتماعی، ریشه در افکار جامعه‌شناسان کلاسیک دارد. تأکید دورکیم بر بررسی همبستگی اجتماعی و خاستگاه آن (دورکیم، ۱۳۸۱) و همچنین تعلق خاطر دوتوکویل به نهادهای مدنی (دوتوکویل، ۱۳۴۷)، برجسته‌ترین نمونه‌ها به‌شمار می‌رود. اما هیچ‌کدام از آن‌ها به‌طور مستقیم اصلاح "سرمایه اجتماعی" را به‌کار نبرده‌اند. اولین بار در قرن بیستم این اصلاح مورد استفاده قرار گرفت که در ابتدا بیش از آنکه یک "مفهوم" باشد، استعاره‌ای بود برای اشاره به اهمیت شبکه‌های اجتماعی. براساس آنچه پوتنام می‌گوید، این استعاره، برای بیان اینکه استفاده از ارتباطات اجتماعی به منظور همکاری، به افراد کمک می‌کند تا زندگی‌شان را بهبود بخشد، دست‌کم شش بار در قرن بیستم به‌کار رفته است (وول کوک، ۱۹۹۸، ۱۹؛ پوتنام، ۲۰۰۰).

سنجش سرمایه اجتماعی

همان‌طور که گفته شد، روز به روز بر تعداد سیاست‌گذاران و کارگزاران اجتماعی علاقه‌مند به کاربرد سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی‌ها و مداخله‌ها اجتماعی افزوده می‌شود. اما همین سیاست‌گذاران بر سر این موضوع توافق دارند که سنجش این مفهوم چالش اصلی در این زمینه است (OECD، ۲۰۰۱a، ۴؛ OECD، ۲۰۰۱b، ۳۹؛ هارپر، ۲۰۰۱). برای نمونه، به گزارش "واحد مطالعات پیشرو" در بریتانیا می‌توان اشاره کرد: نخستین قدم برای کاربرد سرمایه اجتماعی در

برنامه‌ریزی، سنجش تمام سطوح و شکل‌های آن، همچنین مربوط کردن آن به پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و نظیر آن است که مورد نظر سیاست‌گذاران است (واحد کارآیی و نوآوری^۱، ۲۰۰۲، ۲۵). از سوی دیگر، بسیاری از گروه‌های درگیر در توسعه اجتماعی تصدیق می‌کنند که سنجش سرمایه اجتماعی می‌تواند بر کمک‌کنندگان مالی و سیاست‌گذاران تأثیر بسزایی داشته باشد (کروال و دیگران، ۲۰۰۰). سیاست‌گذاران عموماً ترجیح می‌دهند که منابع محدود خود را در فعالیت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که قابل سنجش باشد. بنابراین، نتایج سرمایه‌گذاری آنان را می‌توان با هزینه‌های انجام شده در دیگر زمینه‌ها مقایسه کرد. سرمایه اجتماعی هم از این قاعده مستثنی نیست.

همان‌طور که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه به صراحت گفته است، اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی دشوار است. بیشتر کارهای انجام شده براساس سنجه‌هایی قرار دارد که یکجا و بدون انطباق با زمینه اجتماعی معین، از آمریکا وارد شده است (هارپر، ۲۰۰۱، ۱۲، آمار ملی انگلستان، ۲۰۰۱). روابط و ارزش‌های مشترک، ریشه عمیقی در شرایط محلی دارد و مردم تأثیر آن‌ها را به شیوه‌های بسیار گوناگونی درک می‌کنند. همان‌طور که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اشاره می‌کند، بیشتر چیزهایی که به سرمایه اجتماعی مربوط است، ضمنی و نسبی است و به دشواری می‌توان آن‌ها را اندازه‌گیری و دسته‌بندی کرد (OECD، ط ۲۰۰۱، ۴۳).

مانند هر متغیر اجتماعی دیگر، سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی از طریق کاهش سطح انتزاع آن امکان‌پذیر است. یعنی در ابتدا باید این مفهوم به روشنی تعریف شود. در صورت امکان انواع و یا ابعادی در مرحله‌ی بعد، برای آن مشخص شود، سپس برای هر کدام از این ابعاد و انواع، شاخص‌هایی تعیین شود. در نهایت برای شاخص‌ها، پرسش‌هایی تعیین شود. در انجام هر کدام از مراحل بالا، باید دقت کرد که پیوستگی سطوح از بین نرود؛ این مشکلی است که در برخی پژوهش‌های اجتماعی به چشم می‌خورد. ابعاد و انواع مشخص شده، باید به دقت با تعریف مفهومی موجود، تطبیق داشته باشد. همچنین شاخص‌ها و پرسش‌ها، باید ویژگی تطابق با مفهوم را دارا باشد. بنابراین می‌توان گفت نابسامانی موجود در سنجش سرمایه اجتماعی را می‌توان مربوط به هر یک از مراحل بالا دانست که مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

1. Performance and innovation

تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی

برای بررسی شیوه‌های سنجش سرمایه اجتماعی و چالش‌های پیش‌رو، باید نخست به ویژگی‌های اندیشه نظری سرمایه اجتماعی پرداخت، زیرا سنجش هر مفهومی براساس مبانی نظری صورت می‌گیرد. به این منظور، به‌طور خلاصه ویژگی‌های اصلی اندیشه پژوهشگران اصلی حوزه سرمایه اجتماعی بیان می‌شود. بسیاری، پیر بوردیو، جیمز کلمن و رابرت پوتنام را از نظریه‌پردازان کلاسیک سرمایه اجتماعی دانسته‌اند (فیلد، ۲۰۰۳). البته دیدگاه‌های این سه، تمایزهای آشکاری با هم دارد. باب ادواردز (۲۷) و مایکل فولی (۲۸) این سه نفر را، "سه شاخه به نسبت متمایز" در پژوهش‌های سرمایه اجتماعی می‌دانند (فولی و ادواردز، ۱۹۹۹، ۲۴۱). بوردیو به تأثیر از مارکسیسم، از پرسش درباره خاستگاه تولید و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی شروع کرده است. نقطه شروع کار کلمن این است که افراد برای دستیابی به علاقه‌های خود به‌طور عقلانی وارد عمل می‌شوند. پوتنام، وارث و گسترش‌دهنده ایده همکاری و جامعه مدنی به‌عنوان اساس انسجام و رفاه است. به بیانی دیگر می‌توان گفت که بوردیو سرمایه اجتماعی را ابزار تمایز اجتماعی دانسته است و کلمن و پوتنام آن را بیشتر به‌عنوان ابزار پیوند اجتماعی ارزیابی کرده‌اند. با وجود این تمایزها، هر سه نفر سرمایه اجتماعی را مشتمل بر ارتباط‌های فردی و کنش متقابل بین فردی، همراه با مجموعه‌های اشتراکی ارزش‌ها می‌دانند که با این ارتباط‌ها همبسته است. در اینجا به منظور نشان دادن تفاوت‌های مهمی که میان اندیشه‌های کلاسیک سرمایه اجتماعی وجود دارد نکات مهم این اندیشه به اختصار آورده می‌شود (اقتباس از فیلد، ۲۰۰۳).

ویژگی‌های سرمایه اجتماعی در دیدگاه بوردیو

۱. بوردیو به عوامل ماندگاری طبقه اجتماعی و شناخت دیگر شکل‌های ظالمانه نابرابری علاقه‌مند بود.
۲. او در تعریف مفهوم عادت‌واره، تأکید کرد که گروه‌ها قادرند از نمادهای فرهنگی به‌عنوان نشانه‌های تمایز استفاده کنند، که هر دوی اینها نشانه و سازنده موقعیت آن‌ها در ساختار اجتماعی است (جنکینز، ۱۹۹۲؛ رابینز، ۲۰۰۰).

۳. در نوشته‌های اولیه بوردیو، سرمایه اجتماعی بخشی از تحلیل گسترده‌تر او از مبانی و اگرای نظم اجتماعی بود.

۴. وی در یک مصاحبه تلویزیونی، میدان اجتماعی را با یک کازینو، به این شکل مقایسه کرد: ما تنها با مهره‌های سیاه که نشانه سرمایه اقتصادی ما است بازی نمی‌کنیم، بلکه با مهره‌های آبی که سرمایه فرهنگی ما است و با مهره‌های قرمز که سرمایه اجتماعی است، هم بازی می‌کنیم (الهی، ۱۹۹۶).

۵. انواع گوناگون سرمایه همیشه نمی‌تواند جایگزین هم شود، اما در ترکیب با هم می‌تواند سرمایه جدیدی به وجود آورد.

۶. در تحقیق بوردیو درباره سلیقه و تمایز در میان طبقه متوسط فرانسه، او تنها به عضویت در باشگاه‌های گلف، به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی پرداخت. فرض او، بر این بود که این عضویت در تسهیل حیات تجاری مؤثر است.

۷. بوردیو سرمایه اجتماعی را چنین تعریف کرده است: "سرمایه اجتماعی مجموعه منابع واقعی یا مجازی است که از طریق داشتن شبکه‌های پایا و کم و بیش نهادینه شده روابط دو جانبه آشنایی و شناخت، برای یک فرد یا گروه انباشته می‌شود."

۸. بوردیو که به شدت تحت تأثیر جامعه‌شناسی مارکسیستی قرار داشت، سرمایه اقتصادی را ریشه تمام انواع سرمایه می‌دانست.

۹. وی استدلال می‌کند که فهم جهان اجتماعی، تنها با دانستن نقش تمام سرمایه و نه تنها شکل اقتصادی آن امکان‌پذیر است.

۱۰. کارکرد خاص سرمایه اجتماعی بازتولید نابرابری است، با اینکه شکل‌های سرمایه به‌طور کامل جدایی‌پذیر نیست، اما سرمایه اجتماعی این کار را تا حدی مستقل از سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی انجام می‌دهد.

ویژگی‌های سرمایه اجتماعی در دیدگاه کلمن

۱. کلمن در مجموعه‌ای از مطالعات درباره موفقیت تحصیلی در میان گنوه‌های امریکایی، توانست نشان دهد که سرمایه اجتماعی به انسان‌های قدرتمند محدود نیست، بلکه می‌تواند مزایای زیادی برای اجتماعات فقیر و حاشیه‌ای داشته باشد.

۲. به نظر وی سرمایه اجتماعی نشان دهنده یک منبع است، چون دربردارنده انتظار عمل متقابل است و از سطح افراد فراتر می‌رود و شبکه‌های گسترده‌ای را که روابط آن‌ها تحت

- حاکمیت درجه بالایی از اعتماد و ارزش‌های مشترک قرار دارد، دربرمی‌گیرد.
۳. کلمن قصد داشت علوم اجتماعی بین رشته‌ای را توسعه دهد که می‌تواند جامعه‌شناسی و اقتصاد را به هم نزدیک سازد.
۴. او می‌خواست مفهوم سرمایه اجتماعی را در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی قرار دهد.
۵. کلمن این دیدگاه گسترده را گسترش داد که جامعه، تجمعی از نظام‌های اجتماعی رفتار فردی است. او به منظور آشکار کردن بنیان‌های نظم اجتماعی اظهار داشت که رفتار سطح نظام، باید تجزیه شود تا بتوان به اولویت‌های افراد و کنش‌های آنان دست یافت.
۶. مفهوم سرمایه اجتماعی برای کلمن ابزاری بود برای تبیین اینکه چطور مردم همکاری بین خود را مدیریت می‌کنند.
۷. نظریه‌پردازان انتخاب عقلانی، همیشه با این هدف رویه‌رو هستند که نشان دهند همکاری با "اصول موضوع فردگرایی و نفع شخصی" سازگار است (میستال، ۲۰۰۰، ۱۰۹).
۸. برای کلمن سرمایه اجتماعی راه‌حلی برای این موضوع بوده است که چرا آدم‌ها حتی هنگامی که منافع آن‌ها با رقابت بهتر ارضا می‌شود، با هم همکاری می‌کنند. عملکرد سرمایه اجتماعی نزد کلمن قابل مقایسه و شبیه به "دست نامرئی" بازار در نظریه اقتصاد کلاسیک است (هاینز و استرانک، ۲۰۰۰، ۱۷۹).
۹. او می‌گوید سرمایه اجتماعی دربرگیرنده ماهیت‌های گوناگونی است. تمام این ماهیت‌های گوناگون دربردارنده جنبه‌هایی از ساختارهای اجتماعی است، و کنش‌های خاصی را برای کنشگران تسهیل می‌کنند.
۱۰. در حالی که سرمایه انسانی و فیزیکی، که معمولاً، کالایی خصوصی و متعلق به افراد است، کلمن سرمایه اجتماعی را کالایی ماهیتاً جمعی معرفی کرد که توسط تمام کسانی که بخشی از یک ساختار هستند، ساخته می‌شود و به آن‌ها سود می‌رساند (نه تنها کسانی که تلاش‌های آن‌ها برای تحقق بخشیدن به آن لازم است). بنابراین سرمایه اجتماعی نیازمند همکاری میان افرادی است که به دنبال منافع شخصی خود هستند.
۱۱. تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی، بعد فردی را به جمعی متصل می‌کند. او به روشنی سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یک مجموعه سرمایه‌ای برای فرد در نظر می‌گیرد، اما آن را سازنده "منابع ساختاری اجتماع" می‌داند.

۱۲. کلمن بر این باور بود که انواع مشخصی از ساختار اجتماعی، بیش از دیگران انتخاب‌های کنشگران را تسهیل می‌کند، بویژه که او خانواده را مکان کهن سرمایه اجتماعی می‌دانست.

ویژگی‌های سرمایه اجتماعی در دیدگاه پوتنام

۱. پوتنام بیش از همه، تحت تأثیر افکار دوتوکویل درباره جامعه مدنی آمریکا قرار دارد.

۲. او سرمایه اجتماعی را چنین تعریف کرده است: "سرمایه اجتماعی در اینجا به جلوه‌هایی از سازمان اجتماعی، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها، اشاره دارد که کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های هماهنگ افزایش می‌دهد."

۳. سرمایه اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه برای افرادی که از مسئولیت فرار کنند، موجب می‌شود که آن‌ها در کنش‌های جمعی سهیم شوند؛ این کار از طریق تقویت هنجارهای قوی انتظار عمل متقابل و تسهیل جریان اطلاعات انجام می‌شود (پوتنام، ۱۹۹۳، ۱۷۳).

۴. پوتنام در سال ۱۹۹۶ تعریف خود از سرمایه اجتماعی را چنین مطرح کرد: "منظور من از سرمایه اجتماعی، جلوه‌هایی از حیات اجتماعی شامل: شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را در رسیدن به چیزهای مشترک، همراه با کارآیی بالا، توانمند می‌سازد."

۵. پس از این، پوتنام بین دو شکل اساسی سرمایه اجتماعی تمایز قائل شد: پیونددهنده (شمول‌آور) و محدودکننده (انحصاری). سرمایه اجتماعی الزام‌آور تمایل دارد که هویت‌های انحصاری و همگنی را حفظ کند. سرمایه اجتماعی پیونددهنده افراد را از بخش‌های مختلف اجتماعی کنار هم جمع می‌کند.

۶. پوتنام مانند دوتوکویل هواخواه داوطلب بودن و اجتماعی بودن است چون این دو، تعادل قدرت افراطی اشتراکی افراد و تعدیل بی‌عاطفگی اجتماعی را برقرار می‌سازد.

همان‌طور که مطرح شد، با اینکه بوردیو، کلمن و پوتنام اشتراک‌نظری دارند، اما تفاوت‌هایی اساسی میان آن‌ها وجود دارد. در حالی که امروزه دیدگاه پوتنام بیش از همه پذیرفته شده و توسعه یافته است، دیدگاه‌های بوردیو و کلمن، تقریباً در حاشیه قرار دارد. اگر پژوهشگری قصد دارد به بررسی نابرابری و امتیازاتی که قشری خاص

به خود اختصاص داده، پردازد، بی‌شک باید پیش از همه به سراغ اندیشه نظری بوردیو برود و آنگاه باید به مواردی توجه کند که شاید در اندیشه کلمن و پوتنام چندان مورد توجه نیست. اگر پژوهشگر می‌خواهد به بررسی نقش نهادهای اساسی و سنتی در موفقیت اجتماعی افراد پردازد، می‌تواند به سراغ اندیشه کلمن برود، اما اگر هدف بررسی نقش روابط اجتماعی و پیوندهای اجتماعی، بالا بردن کیفیت زندگی افراد باشد، اندیشه نظری پوتنام بیش از همه با این هدف سازگار است.

افزون بر تعریفی که به نقل بوردیو، کلمن و پوتنام ارائه شد، تعاریف بسیار دیگری برای سرمایه اجتماعی ارائه شده است. دو سازمان بین‌المللی بسیار تأثیرگذار در زمینه سیاست‌های اجتماعی در سطح جهان که سرمایه اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ و بانک جهانی است. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه سرمایه اجتماعی را چنین تعریف کرده است: “شبکه‌ها، هنجارهای مشترک و ادراکاتی که همکاری درون و برون گروهی را تسهیل می‌کند” (کونت و هیلی، ۲۰۰۱، ۱۴). همچنین بانک جهانی در تعریف سرمایه اجتماعی آورده است: “سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی دلالت می‌کند که شکل‌دهنده کیفیت و کمیت کنش‌های متقابل اجتماعی در یک جامعه است. سرمایه اجتماعی تنها مجموع نهادهای بنیانی جامعه نیست، بلکه مجموعه‌ای از پیوندهاست که آن‌ها را کنار هم نگاه می‌دارد.”

پژوهشگر باید پیش از اندازه‌گیری تجربی سرمایه اجتماعی تعریف خود را از سرمایه اجتماعی آشکارا بیان کند. لازم به ذکر است که سرمایه اجتماعی همیشه مفید نیست، همیشه یک‌سویه نیست و همیشه در واحدهای یکسانی ظاهر نمی‌شود. مفهوم سرمایه اجتماعی در نظر بوردیو، می‌تواند این مشکلات را به‌خوبی نشان دهد. او استعاره سرمایه را عمداً و با دقت به کار می‌برد، اما به عکس سرمایه اقتصادی که تقریباً همیشه قابل تبدیل است، می‌توان گفت هیچ تضمینی وجود ندارد که بتوان انواع گوناگون سرمایه اجتماعی را با یک واحد اندازه‌گیری یکسان مورد سنجش قرار داد. همان‌طور که وارد و تامپوبولون گفته‌اند، این مضمون را می‌توان با استفاده از واحدهای پولی بهتر بیان کرد. به این معنی که در برخی موقعیت‌ها تبدیل دلار به روپل یا یورو مشکل است (وارد و تامپوبولون، ۲۰۰۲، ۵۷۱). به هر حال، سیاست‌گذاران به خاطر ملاحظه‌های عملی، ناچارند بپذیرند که برخی شاخص‌ها برای برخی اهداف مناسب

1. OECD

است. به‌طور خلاصه مشکلات مربوط به سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو دسته کلی قرار داد. اول، بی‌توجهی به مبانی مفهومی متفاوت و گاه متضادی که ریشه در اندیشه نظری این حوزه دارد و دوم، یافتن شاخص‌های مناسب برای ابعاد نظری مفهوم، به‌گونه‌ای که به‌خوبی بتواند نمایانگر همان ابعاد باشد و به بیان دیگر دارای اعتبار و روایی مناسبی باشد.

تمایزهای مفهومی و به بیان دیگر خرد کردن مفاهیم به مفاهیمی دیگر، روشن‌کننده فضای مفاهیم است. یکی از مفیدترین تمایزهای نظری انجام شده در حوزه سرمایه اجتماعی، مربوط به مایکل وول کاک است، انواع سرمایه اجتماعی را از یکدیگر متمایز کرده است:

۱. سرمایه اجتماعی الزام‌آور، که مشخص‌کننده پیوندها میان مردم متشابه در موقعیت‌های یکسان یا همگن است، مانند خانواده اولیه، دوستان نزدیک و همسایگان.
۲. سرمایه اجتماعی پیونددهنده، که دربرگیرنده پیوندهای دورتر از افراد متمایل به هم است، مانند دوستان دور، همکاران.
۳. سرمایه اجتماعی مربوط‌کننده که مردم ناهمسان را در موقعیت‌های ناهمسان، در دسترس هم قرار می‌دهد، مانند کسانی که کاملاً خارج از اجتماع قرار گرفته‌اند، بنابراین اعضا می‌توانند محدوده وسیع‌تری از منابع را نسبت به داخل اجتماع در اختیار داشته باشند (وول کاک، ۲۰۰۱، ۳۱).

ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی

پس از تعریف مفهومی، ابعاد و انواع سرمایه اجتماعی باید مشخص شود. همان‌طور که گفته شد، بیان ابعاد و انواع مفهوم باید کاملاً با تعریف مفهومی آن منطبق باشد. در زمینه بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که برخی از آن‌ها با روش‌های آماری و برخی دیگر با بررسی‌های نظری این ابعاد را مشخص کرده است. پوتنام در کتاب "بولینگ تک نفره" طیفی مرکب برای سنجش سرمایه اجتماعی ارائه داد که دارای چهارده پرسش جداگانه درباره فعالیت‌های انجمنی رسمی و غیررسمی و میزان اعتماد بود (پوتنام، ۲۰۰۰).

جدول ۱. شاخص پوتنام برای سنجش سرمایه اجتماعی (آمار ملی، ۲۰۰۱، ۱۷)

همبستگی با شاخص	اجزای شاخص سرمایه اجتماعی پوتنام
سنجه‌های حیات سازمانی اجتماع	
۰/۸۸	فعالیت در کمیته‌ای در سازمان محلی در یک‌سال گذشته
۰/۸۳	انتخاب به عنوان مسئول برخی باشگاه‌ها یا سازمان‌ها در یک‌سال گذشته
۰/۷۸	سازمان‌های مدنی و اجتماعی به ازای هر هزار نفر
۰/۷۸	میانگین تعداد حضور در جلسه‌های باشگاه سال گذشته
۰/۷۴	میانگین تعداد عضویت‌های گروهی
سنجه‌های تعهد به امور عمومی	
۰/۸۴	شرکت در انتخابات در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۲
۰/۷۷	حضور در جلسه‌های مربوط به امور مدرسه و محل زندگی در یک‌سال گذشته
سنجه‌های داوطلبی در اجتماع	
۰/۸۲	تعداد سازمان‌های غیرانتفاعی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر
۰/۶۵	میانگین تعداد کسانی که بر روی پروژه‌ای در اجتماع در طول سال گذشته کار کرده‌اند
۰/۶۶	میانگین تعداد دفعه‌های انجام فعالیت‌های داوطلبانه در طول سال گذشته
سنجه‌های مردم آمیزی غیررسمی	
۰/۷۳	موافقت با: "من وقت زیادی برای دیدن دوستان صرف می‌کنم"
۰/۶۷	میانگین تعداد دفعه‌های که در خانه مهمانی داده است
سنجه‌های اعتماد	
۰/۹۲	موافقت با: "به بیشتر مردم می‌توان اعتماد کرد"
۰/۸۴	موافقت با: "بیشتر مردم صادق هستند"

الگوی دیگری در ایرلند شمالی ارائه شده که براساس اولویت‌های سیاست‌گذاری دولت است و دارای چهار سطح فردی تا مدنی است و دارای چهارده شاخص است (موریسی و مک‌گین، ۲۰۰۱، ۲-۷۰). تحلیلی که در سال ۲۰۰۱ روی پیمایش‌های اصلی انجام شده در بریتانیا انجام شد، هجده شاخص را پیشنهاد می‌کند که هر یک عنصری از سرمایه اجتماعی است. این پیمایش‌ها شامل پیمایش جرم بریتانیا، پیمایش

پانل خانوارهای بریتانیایی و پیمایش استفاده از زمان در بریتانیا است (هارپر، ۲۰۰۱، ۱۹-۱۸). تام شولر درباره خطرات ساختن شاخص‌هایی هشدار داده است که ویژگی‌های واحدهای اجتماعی از فرد تا خانواده تا محله تا سازمان تا ملت را می‌سنجد، اما توجه ندارد که سرمایه اجتماعی به‌طور ویژه‌ای وابسته به زمینه خاصی است که در آن قرار گرفته است (شولر، ۲۰۰۰). یکی از مشاوران دولت بریتانیا هم به نتیجه مشابهی رسیده که خواستار شاخصی سریع و نه چندان دقیق شده است که سیاستمداران بتوانند به آسانی آن را بفهمند و به‌کار گیرند (هارپر، ۲۰۰۱، ۴۱). با این حال، انتخاب مجموعه محدودی از شاخص‌ها دارای ریسک بالایی است. به تشخیص سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، در فقدان مجموعه جامع‌تری از شاخص‌های اعتماد می‌تواند مناسب باشد (OECD، ط ۲۰۰۱، ۴۵). اندازه‌گیری اعتماد سراسر است. از سال ۱۹۸۱، در پیمایش جهانی ارزش‌ها، به نظارت ران اینگلهارت، چند پرسش درباره اعتماد پرسیده می‌شود از جمله "آیا می‌توان گفت مردم قابل اعتمادند یا اینکه باید در برخورد با آن‌ها محتاط بود؟"

پاسخ‌ها چنین دسته‌بندی شده‌اند:

به بیشتر مردم می‌توان اعتماد کرد؛ باید بسیار محتاط بود؛ نمی‌دانم (پیمایش ارزش‌ها، ۲۰۰۰).

در سال ۱۹۹۵-۹۶، در میان کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، براساس این سنج، نروژ دارای بیشترین اعتماد (۳/۶۵ درصد) و ترکیه دارای کمترین اعتماد (۵/۶ درصد) بود. بریتانیا هم در میانه (۳۱ درصد) قرار داشت (OECD، ط ۲۰۰۱، ۴۴). اما سادگی آشکار این سنج می‌تواند گمراه‌کننده باشد. ترجمه پرسش به زبان‌های مختلف، ایرادات زیادی درباره معنای نتایج به‌وجود می‌آورد. یک مثال ساده این است که کلمه آلمانی Vertrauen هم به معنای اعتماد است و هم اطمینان اما نسخه انگلیسی این پیمایش، پرسش‌هایی در هر دو زمینه دارد. حتی در درون جامعه‌ای دارای یک زبان هم، تعریف اعتماد و لحنی که افراد هنگام بیان آن به‌کار می‌برند، ممکن است متفاوت باشد. البته این سخن به معنای بدشماری استفاده از داده‌های کمی و یافته‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها نیست اما باید پذیرفت که سنجش اعتماد، خلأی بزرگ در بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی است (گلیزر و دیگران، ۲۰۰۰، ۱۱۸). در عین حال، به نظر فیلد نباید اعتماد را به‌عنوان جزئی از سرمایه اجتماعی در

1. World Values Survey

بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد... / محسن نوغانی، احمدرضا اصغری‌پور

نظر گرفت، چون اعتماد خود پیامد وجود سرمایه اجتماعی است (فیلد، ۲۰۰۳)، اما همان‌طور که خواهیم دید بیشتر پژوهشگران اعتماد را جزئی از سرمایه اجتماعی دانسته‌اند.

نوریس (۲۰۰۵) ابعاد زیر را برای سرمایه اجتماعی معرفی کرده است:

۱. مشارکت اجتماعی
 ۲. شبکه‌های اجتماعی و حمایت
 ۳. مشارکت مدنی
 ۴. اعتماد و عمل متقابل
- بریانت و نوریس (۲۰۰۲) نیز این ابعاد را شرح زیر برای سرمایه اجتماعی ذکر کرده‌اند:

۱. مشارکت اجتماعی، تعهد اجتماعی و التزام
 ۲. میزان توانمندی (که همان کنترل و خودکارایی است)
 ۳. احساس عضویت در اجتماع
 ۴. شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی و کنش متقابل اجتماعی
 ۵. اعتماد، عمل متقابل و همبستگی اجتماعی
- هارپر (۲۰۰۲) سرمایه اجتماعی را بر اساس ابعاد مندرج در جدول، ارائه می‌کند.

جدول ۰۲. ابعاد سرمایه اجتماعی در دیدگاه هارپر (۲۰۰۲)

بعد	جنبه‌ای که سنجه‌ها برای آن ساخته می‌شود
مشارکت اجتماعی (شبکه‌ها)	تعداد گروه‌های فرهنگی، فراغت و اجتماعی که فرد به آن‌ها تعلق دارد تعهد به سازمان‌های داوطلبانه فراوانی و شدت تعهد فعالیت‌های دینی
شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی (شبکه‌ها)	فراوانی دیدار و صحبت کردن با وابستگان، دوستان و همسایگان شبکه‌های مجازی- فراوانی و شدت برخوردها چه تعداد در دوستان نزدیک و وابستگان در نزدیکی فرد زندگی می‌کنند به چه کسی برای کمک می‌توان تکیه کرد به چه کسی کمک می‌شود احساس کنترل بر زندگی رضایت از زندگی
عمل متقابل و اعتماد (هنجارها و ارزش‌های مشترک)	اعتماد به دیگر افرادی که شبیه فرد هستند اعتماد به دیگر افرادی که شبیه فرد نیستند مردم به فرد نیکی می‌کنند و برعکس تصور از ارزش‌های مشترک
مشارکت مدنی (همکاری)	اعتماد به نهادها در سطح مختلف احساس تأثیرگذاری بر رویدادها اطلاع‌یابی درباره امور محلی و ملی دانستن رابطه با ماموران دولتی یا نمایندگان سیاسی ارتباط با گروه‌های کنش محلی تمایل به رأی‌دهی
جنبه‌های منطقه محلی (هنجارها و ارزش‌های مشترک)	جنبه‌های محیط فیزیکی تسهیلات در منطقه لذت بردن از زندگی در منطقه ترس از جرم

چنانچه می‌بینیم ابعاد هارپر تمام آنچه را که مورد نظر نوریس بوده شامل می‌شود و یک بعد اضافه هم ارائه می‌دهد که مربوط به ویژگی‌های محیطی محله است. نارایان و کسیدی (۲۰۰۱)، به مقایسه ابعاد سرمایه اجتماعی در تعدادی پژوهش پرداخته‌اند که مقایسه آن‌ها در جدول سه مشاهده می‌شود.

جدول ۳. مقایسه ابعاد سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های مختلف (نارایان و کسیدی، ۲۰۰۱)

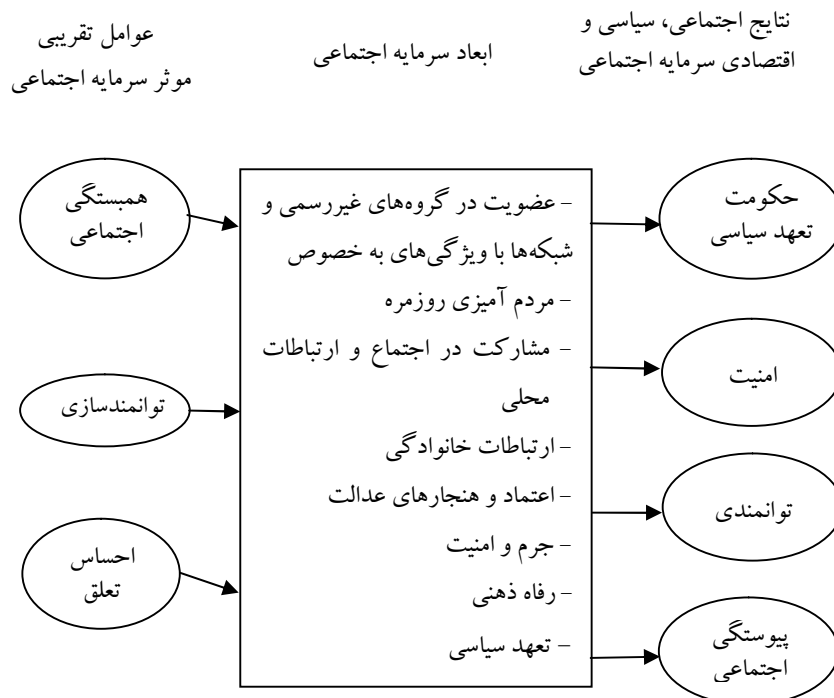
GSCS	پژوهش‌ها				ابعاد سرمایه اجتماعی
	شاخص سلامت ملی	بارومتر ^۱ سرمایه اجتماعی	نیو ساوت ولز	ارزش‌های جهانی	
√ اعتماد، شامل اعتماد نهادی	√ شامل اعتماد نهادی (حکومت)	نهادی	√	√	اعتماد
√ در بعد ویژگی‌های گروهی قرار دارد.	√	روابط افقی	√	√	عضویت در انجمن‌ها/مشارکت در اجتماع محلی
توانمندسازی		کنترل اجتماعی	√		فعال بودن ^۲ در زمینه اجتماعی
(نتایج)	√		√		جرم و امنیت
تقاضای کمک √		روابط عمودی	√		ارتباطات محلی
مردم آمیزی روزمره √	√ طلاق/نرخ تولدهای بدون ازدواج	روابط عمودی	√		ارتباطات خانوادگی و دوستانه
(نتایج)			√		تحمل گوناگونی
در بعد اعتماد هنجارهای تعمیم یافته قرار دارد		√	√		عمل متقابل
(نتایج)	√	√			تعهد سیاسی
√					رفاه ذهنی

1. Barometer
2. Proactivity

بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد... / محسن نوغانی، احمدرضا اصغرپور

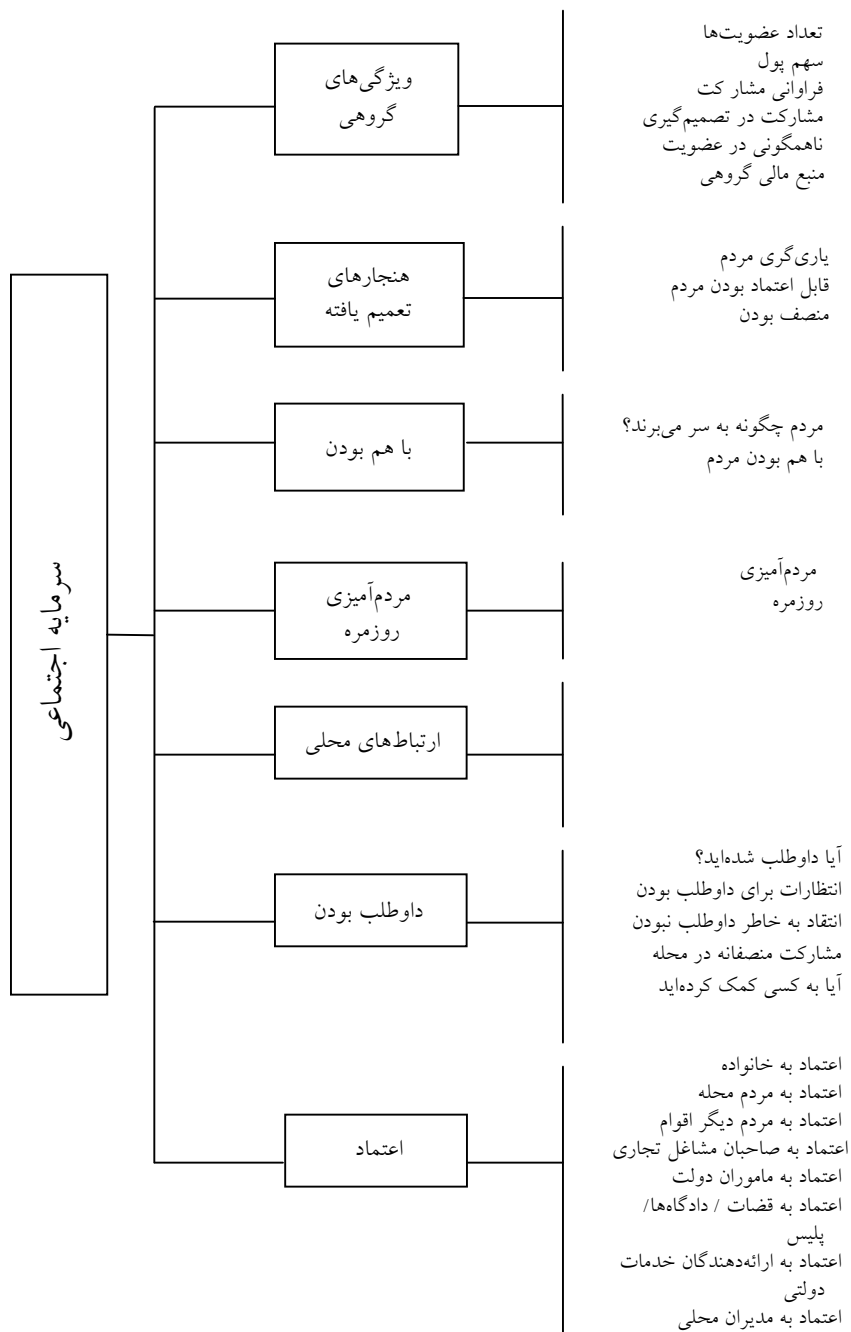
پژوهش‌هایی که نارایان و کسیدی در جدول شماره ۳ بررسی کرده‌اند، در کشورهای توسعه‌یافته انجام شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، غیر از جرم و امنیت و رفاه ذهنی، بقیه ابعاد این جدول را می‌توان با ابعاد ذکر شده توسط هارپر تطبیق داد.

نارایان و کسیدی خود مدلی برای عوامل مؤثر، ابعاد و پیامدهای سرمایه اجتماعی ارائه داده‌اند که در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود.



نمودار ۱. عوامل مؤثر، ابعاد و پیامدهای سرمایه اجتماعی (نارایان و کسیدی، ۲۰۰۱)

این دو پژوهشگر، شاخص‌های سرمایه اجتماعی را به صورت آورده شده در نمودار ۲ بیان کرده‌اند.



نمودار ۲. شاخص‌های سرمایه اجتماعی (ناریان و کسیدی، ۲۰۰۱)

بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد... / محسن نوغانی، احمدرضا اصغرپور

همانگونه که ملاحظه می‌شود، در بسیاری از پژوهش‌ها برای سنجش سرمایه اجتماعی بر پیامدهای آن تأکید شده است. برونسکوف و سوندسن هم به مقایسه ابعاد سرمایه اجتماعی در چند پژوهش برجسته پرداخته‌اند که در جدول چهار، این مقایسه آورده شده است.

جدول ۴. سنجش‌های سرمایه اجتماعی در سطوح خرد، میانه و کلان برونسکوف و سوندسن (۲۰۰۳)

مؤلف	سطح خرد	سطح میانه	سطح کلان
۱- نارایان و پیچت	اعتماد تعمیم یافته	سازمان‌های داوطلبانه	
۲- کریشنا و آپهوف	اعتماد تعمیم یافته	سازمان‌های داوطلبانه	
۳- وایتلی	عامل اعتماد		
۴- برهم و ران	اعتماد تعمیم یافته	مشارکت مدنی	اعتماد به حکومت
۵- رز		شبکه	اعتماد به حکومت
۶- اوسلانر		ارتشا	ارتشا
۷- پوتنام		سازمان‌های داوطلبانه	
۸- گروتارت		سازمان‌های داوطلبانه	
۹- بانک جهانی			آزادی اقتصادی
۱۰- پالدام و سوندسن			تمرکز زدایی

از سوی دیگر، تحلیل آماری برونسکوف و سوندسن نشان داده که سرمایه اجتماعی دارای یک بعد مفهومی است و اجزای آن ارتشا، آزادی‌های مدنی و اعتماد تعمیم یافته است (برونسکوف و سوندسن، ۲۰۰۳).

گروتارت، نارایان، جونز و وولکاک (۲۰۰۴) براساس پیمایش‌هایی که توسط بانک جهانی در کشورهای در حال توسعه (مانند: تانزانیا، بولیوی، بورکینافاسو و غنا)

انجام شده است، یک طیف شش بعدی به شرح زیر برای سرمایه اجتماعی ارائه داده‌اند:

۱. **گروه‌ها و شبکه‌ها:** این بعد دارای بیشترین همبستگی با سرمایه اجتماعی است. پرسش‌های این بعد در زمینه ماهیت و میزان عضویت اعضای خانوار در سازمان‌های اجتماعی و گروه‌های غیررسمی مختلف و میزان سهم آن‌ها در این سازمان‌هاست. همچنین این بعد در زمینه گوناگونی اعضای گروه و چگونگی انتخاب رهبر آن و نیز تغییر در تعهد فرد به گروه در طول زمان است؛

۲. **اعتماد و انسجام:** این بعد علاوه بر اینکه مشتمل بر پرسش‌های رایج غالب پژوهش‌ها در زمینه اعتماد تعمیم‌یافته است، به اعتماد به همسایگان، ارائه‌دهندگان خدمات و نیز تغییر اعتماد در طول زمان هم می‌پردازد؛

۳. **عمل جمعی و همکاری:** این مقوله وجود و چگونگی همکاری میان همسایگان در پروژه‌های مشترک و همچنین هنگام بحران را بررسی می‌کند. علاوه بر این، به بررسی پیامدهای تخلف از انتظارات اجتماعی در زمینه مشارکت می‌پردازد؛

۴. **اطلاعات و ارتباطات:** دسترسی به اطلاعات می‌تواند در کمک به اجتماع‌های فقیر بسیار اثرگذار باشد. این دسته پرسش‌ها به شیوه‌ها و وسایلی می‌پردازد که به‌وسیله آن‌ها خانوارها اطلاعاتی در زمینه شرایط بازار و خدمات عمومی دریافت می‌کنند و اینکه تا چه حد آن‌ها به ساختارهای ارتباطی دسترسی دارند؛

۵. **همبستگی اجتماعی و شمول:** اجتماع‌ها، ماهیت‌های منفرد نیست، بلکه تقسیم‌بندی‌های گوناگونی دارد که حتی ممکن است به تضاد بینجامند. در این مقوله پرسش‌های مربوط به بررسی ماهیت و میزان این تفاوت‌ها قرار دارد و ساز و کارهایی که به‌وسیله آن‌ها این تضادها مهار می‌شود و اینکه کدام گروه‌ها از خدمات عمومی کلیدی حذف شده است. پرسش‌های مربوط به زندگی روزمره هم در این بخش مورد توجه قرار می‌گیرد؛

۶. **توانمندسازی و عمل سیاسی:** افراد به اندازه‌ای که بر نهادها و فرایندهای مؤثر بر رفاه آن‌ها کنترل دارند، "توانمند" هستند. پرسش‌های این بخش مربوط به بررسی مفهوم خوشبختی، اثر شخصی و ظرفیت تأثیر بر رویدادهای محلی و رخدادهای سیاسی گسترده‌تر، نزد اعضای گروه است؛

به نظر گروتارت و همکارانش، چنین ابزار سنجشی بازتاب بررسی ابعاد عضویت

گروهی (ساختاری) و تصورهای ذهنی از اعتماد و هنجارها (شناختی) است که در بخش‌های یک و دو ارائه شده است. همچنین شیوه‌های اصلی عملکرد سرمایه اجتماعی (بخش‌های ۳ و ۴) و حوزه‌های اصلی کاربرد و نتایج آن (بخش‌های ۵ و ۶) هم بررسی شده است. بر این اساس پژوهشگران نامبرده، پرسشنامه خود را به تفصیل ارائه کرده‌اند (گروتارت و دیگران، ۲۰۰۴).

هیلی (۲۰۰۳)، برخی نکات را که معمولاً در شاخص‌سازی برای سرمایه اجتماعی اشتباه می‌شود چنین ارائه داده است:

۱. سرمایه اجتماعی به تمام انواع روابط اجتماعی و هنجارها دلالت دارد؛ یعنی تنها مربوط به کنش‌های اجتماعی مثبت در حمایت از دیگران نیست؛

۲. تعریف‌های حداقلی و حداکثری از سرمایه اجتماعی، نقض‌کننده همدیگر نیست، بلکه تعریف‌های حداکثری، تعریف‌های حداقلی را هم دربرمی‌گیرد؛

۳. سرمایه اجتماعی به منابع انباشت‌شونده، به شکل شبکه‌ها و اجزای دو سویه ارجاع دارد و نباید آن را با نتایج مفیدی مانند هماهنگی اجتماعی و کیفیت زندگی اشتباه کرد؛

۴. سرمایه اجتماعی تنها به روابطی که ارزش اقتصادی یا پولی دارد دلالت ندارد، بلکه سرمایه است، زیرا می‌تواند مانند سلامت شخصی و رفاه، منافع گوناگونی در طول زمان بیافریند؛

هیلی در بیان سطوح مختلف اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، این سطوح را چنین بیان کرده است:

۱. پرسش‌های استاندارد شده درباره اعتماد، تعهد مدنی، شبکه‌های حمایت اجتماعی و مانند اینها، در پیمایش‌های خانوار در سطح کلان؛

۲. پرسش‌های خاص و زمینه‌ای درباره روابط، گرایش‌ها و رفتار در اجتماع یا پیمایش‌های سازمانی خاص؛ محله، شرکت، یا مدرسه؛

۳. مطالعه موردی، کیفی یا براساس اقدام پژوهی که به دنبال بررسی معنی و فهم کنش دو جانبه اجتماعی در موقعیت یا زمینه‌ای خاص که می‌تواند با اندازه‌گیری کمی هم همراه باشد؛

۴. آزمایش‌های اجتماعی تصادفی که به دنبال ترکیب اندازه‌گیری با مداخله سیاسی است و شرایط آزمایشگاهی شبیه‌سازی شده است.

هیلی در زمینه داده‌های مربوط به سرمایه اجتماعی نکات کلیدی زیر را بیان کرده است:

۱. میزان سرمایه اجتماعی در جمعیت در طول زمان؛
 ۲. توزیع سرمایه اجتماعی براساس سن، جنسیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی و گروه قومی؛
 ۳. انواع گوناگون ارتباط اجتماعی (حذف‌کننده، پیونددهنده، و ارتباط دهنده) و تأثیرهای گوناگون آن‌ها؛
 ۴. تأثیرهای گوناگون دسترسی به سرمایه اجتماعی در سطح اجتماع و سطح فردی؛
 ۵. حفظ تعادلی میان ساختار سازمان- شبکه‌ای، رفتار گروهی و ارزش‌ها-گرایش‌های مشترک؛
- یکی از روشن‌ترین مدل‌های سنجش سرمایه اجتماعی را اسپیلبرگ (۱۹۹۷) ارائه داده است.

جدول ۵. مدلی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی (اسپیلبرگ، ۱۹۹۷، ۵)

گروه‌های جمعیتی	نگرش‌ها- ارزش‌ها	مشارکت در شبکه‌های اجتماعی
جنس	هویت/تعلق	گروه‌های رسمی
سن	نظام باورها	دادگاه‌ها
قومیت	ارزش‌ها و اهداف	پارلمان
محل تولد	ترس‌ها	حکومت محلی
خانواده	نگرش‌ها	آموزش و پرورش
وضعیت سلامت	گذشته	کلیسا
تحصیلات	اطمینان	صنوف بازار محلی
وضع اشتغال	اعتماد	انجمن‌ها/سازمان‌ها
درآمد	رضایت از زندگی	باشگاه‌ها و جمعیت‌ها
شغل	انتظارات	شبکه همسایگان، دوستان و غیره
مهارت		خانواده
منطقه زندگی		گروه‌های غیررسمی

آثار و تأثیرها

مزیت کار اسپیلبرگ در این است که متغیرهای مستقل، میانی و ابعاد سرمایه اجتماعی را در یک مدل به سادگی نشان داده است، اما این ایراد به کار او هم وارد است که سرمایه اجتماعی را با مشارکت در انواع گروه‌ها و نهادها یکسان دانسته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده، نتایج زیر را می‌توان ارائه داد:

۱. گرچه سرمایه اجتماعی مفهومی است که به بررسی ویژگی‌های رفاه اجتماعی و مدنی کمک‌های فراوانی کرده است، اما اغتشاش موجود در تعریف‌ها و به تبع آن سنجش این مفهوم می‌تواند خاستگاه تفسیرهای غلط و نابجا شود.

۲. سرمایه اجتماعی در مفهوم، دارای دست‌کم سه خاستگاه گوناگون از آرای بوردیو، کلمن و پوتنام است که بی‌توجهی به این تفاوت‌ها موجب می‌شود تعریف‌ها و سنجش‌ها، التقاطی از کار درآید. استفاده از هر یک از این سه دیدگاه، در جای خود و بنا به اهداف پژوهشگر، می‌تواند بسیار مفید باشد.

۳. سرمایه اجتماعی تنها دارای ویژگی‌ها و پیامدهای مثبت نیست. سرمایه اجتماعی می‌تواند تا حد زیادی توسعه‌دهنده نابرابری باشد؛ زیرا توزیع دسترسی به شبکه‌های گوناگون بسیار متفاوت است. هر کس می‌تواند از ارتباط‌های خود برای رسیدن به علاقه‌های خود استفاده کند، اما ارتباط‌های برخی افراد با ارزش‌تر از دیگران است. همان‌طور که دو پژوهشگر آمریکایی، فولی و ادواردز گفته‌اند: «دسترسی به سرمایه اجتماعی به موقعیت اجتماعی افراد یا گروه‌های خاصی وابسته است که برای ضبط آن برای خود تلاش می‌کنند. این که سرمایه اجتماعی در چه موقعیت اجتماعی قرار داشته باشد، بدون توجه به اینکه چه کسی آن را به نفع خود ضبط کرده است، بر «ارزش کاربردی» آن تأثیر می‌گذارد (فولی و ادواردز، ۱۹۹۷)».

۴. نکته دیگر اینکه مردم‌آمیزی در دو جهت عمل می‌کند. مردم همان‌طور که می‌توانند برای رسیدن به اهدافی که عموماً هم برای اعضای شبکه و هم برای دیگران مفید است، همکاری کنند، می‌توانند سرمایه اجتماعی خود را برای اهدافی که از نظر اجتماعی و اقتصادی ناخوشایند است، به کار برند. البته تعاریف از ناخوشایند بودن

می‌تواند متفاوت باشد. بسیاری از مردم شبه نظامیان ایرلند شمالی را تروریست می‌دانند، در حالی که خانواده‌ها و همسایگان آن‌ها، آنان را رزمندگانی شجاع و آزاده می‌دانند؛ به همین شکل، کسی که در بلغاست تروریست نامیده می‌شود، ممکن است به خاطر کارهای اسامه بن لادن اندوهگین شود (کمپبل، ۲۰۰۰، ۱۹۴). در تعریف نبایستی به دام ذهن‌گرایی گرفتار شویم، اما منظور آن است که ناخوشایند بودن تا حدی مربوط به دیدگاه ناظر است. به هر حال می‌توان تمایزی معتبر و روشن قائل شد میان شبکه‌های اجتماعی مولد، که ما آن‌ها را شبکه‌هایی تعریف می‌کنیم که نتایج مطلوبی برای اعضا و همچنین برای اجتماع بزرگتر به بار می‌آورد، و شبکه‌های ناخوشایند که برای اعضای خود منافع مثبتی دارند اما برای اجتماع گسترده‌تر پیام آور نتایج منفی هستند (فیلد، ۲۰۰۳).

۵. یکی از خطاهای رایج در زمینه سنجش سرمایه اجتماعی، بی‌توجهی به سطح تحلیل و سطح سنجش آن است. سطح سنجش در بیشتر پژوهش‌ها، افراد است، اما سطح تحلیل محل‌ها، شهرها، ایالت‌ها یا کشورها است. البته می‌توان سرمایه اجتماعی را در سطح فرد هم تحلیل کرد، اما چنین کاربردی برای سرمایه اجتماعی کمتر به کار گرفته شده است.

۶. گویه‌های مورد استفاده برای سنجش سرمایه اجتماعی بسیار وابسته به زمینه محلی است. به همین خاطر باید از ترجمه صرف گویه‌های مورد استفاده در یک کشور، برای دیگر کشورها پرهیز کرد و شاخص‌ها را با فعالیت‌های مدنی داخل کشور تطبیق داد.

۷. با توجه به دیدگاه‌های گوناگون بیان شده تا اینجا درباره ابعاد سرمایه اجتماعی می‌توان چنین گفت: نگاه همه پژوهشگران ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی چنین است: مشارکت اجتماعی (در سطوح گوناگون و انواع گروه‌ها)، اعتماد (به انواع گروه‌ها، نهادها و افراد) و شبکه‌های اجتماعی، کنش‌های دو سویه اجتماعی متنوعی را امکان‌پذیر می‌سازد.

منابع

- دوتوکویل، آکسی (۱۳۴۷). **تحلیل دموکراسی در آمریکا**. ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸). **درباره تقسیم کار اجتماعی**، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- Alheit, P. (1996). **Research and innovation in contemporary adult educational**, in S. Papaioannou, P. Alheit, J. F. Lauridsen and H. S. Olesen (eds), Roskilde: Community, Education and Social Change, Roskilde University Centre.
- Bjornskov, C & Svendsen, G. T. (2003). **Measuring social capital: is there a single underlying explanation?**. Working Paper: Department of Economics Aarhus School of Business.
- Bryant, C. & Norris, D. (2002). **Measurement of social capital: the canadian experience**. Prepared as a country report for the OECD - UK ONS International Conference on Social Capital Measurement in London, 25-27 September.
- Foley, M. and Edwards, B. (1999). Is it time to disinvest in social capital? **Journal of Public Policy**, 19 (2), 141-73.
- Giddens, A. (1984). **The Constitution of society**. Cambridge: Polity.
- Grootaert, C., Narayan, D., Jones, V. N., & Woolcock, M. (2004). Measuring social capital. **World Bank Working Paper**, No. 18.
- Harper, R. (2002). **The measurement of social capital in the United kingdom**. Office for National Statistics.
- Healy, T. (2003). **Social capital: challenges for its measurement at international level**. Workshop: Social capital and economic development. anniversary conference on sustainable ties in the information society.
- Jenkins, R. (1992). **Pierre bourdieu**. London: Routledge.
- Maloney, W., Smith, G. and Stoker, G. (2000a). **Social capital and associational life**. P. 212-25 in S. Baron, J. Field, and T. Schuller (eds), Social capital: critical perspectives, Oxford: Oxford University press.
- Misztal, B. A. (2000). **Informality: social theory and contemporary practice**. London: Routledge.
- Narayan, D. & Cassidy, M. F. (2001). A dimensional approach to measuring social capital: development and validation of a social capital inventory. **Current Sociology**, Vol. 49.(2).
- National Statistics (2001). **Social capital: a review if literature**. England: Social

Analysis and Reporting Division office for National Statistics.

- Norris, D. (2005). **Social capital measurement: national experiences and international harmonization**. Helsinki: A Beginning. Siena Group Meeting.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2001a). **Investing in competencies for all: meeting of the OECD education ministers**. Paris: 3-4 April 2001, OECD, Paris.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2001b). **The Well-being of nations: the role of human and social capital**. Paris: OECD.
- Putnam, R. D. (2000). **Bowling alone: the collapse and revival of american community**. New York: Simon and Schuster.
- Schuller, T. (2000). Human and social capital: the search for appropriate technology. *Policy Studies*, 21 (i), 25-35.
- Spellerberg, A. (1997). **Towards a framework for the measurement of social capital in Robinson. D. (ed.) (1997)**. Wellington, New Zealand: Social Capital & Policy Development institute of Policy Studies.
- Walker, P., Lewis, J., Lingayah, S., and Sommer, F. (2000). **Prove it! measuring the effect of neighborhood renewal on local people**. London: Groundwork/ New Economics Foundation/ Barclays PLC.
- Warde, A., and Tambubolon, G. (2002). Social capital, networks and leisure consumption. *Sociological Review*, 50 (2), 155-80.
- Woolcock, M. (1998). Social capital and economic development: toward a theoretical synthesis and policy framework. *Theory and Society*, 27 (2), 151-208.
- Woolcock, M. (2001). The place of social capital in understanding social and economic outcomes. *Sumo: Canadian Journal of Policy Research*, 2 (i), 1-17.
- World Values Survey (2000). 2000-2001 World values survey question-naira, Available at: <http://wvs.isr.umich.edu/wvs-ques4.html>, accessed 16 October 2001.